

گات: پنجاه سال گذشت*

مترجم: محمد مهدی نصیریان*

در سال ۱۹۴۸، بیست و سه کشور، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) را امضا کردند. این توافق، نخستین موافقتنامه چند جانبه بین المللی از زمان ناپلئون، به منظور کاهش موانع تجاری بین کشورها بود. این کشورها، تعرفه‌های صادرات بین خود را حذف کردند. در آن زمان، ارزشیابی دقیق نتایج توافقنامه که شامل سوابق ۱۰۶ دور مذاکرات دو جانبه و دو جلد برنامه آزادسازی می‌شد و مجموعاً هشت پوند وزن داشت، "غیرممکن" به نظر می‌رسید. این احتمال وجود داشت که پیچیدگی گات، همراه با "احتیاط و فرصت طلبی" اعضا، رشد پیش‌بینی شده تجارت را کند سازد.

بدبینی نسبت به گات موجه نبود. گات، بعداً، مجموعه‌ای از موافقتنامه‌های سنگین‌تر به امضا رساند که بسیاری از موانع تجاری را حذف کرد. امروزه، متوسط تعرفه‌ها، یکدهم تعرفه‌هایی است که هنگام تأسیس گات وجود داشت. بنابراین، وزیران شرکت‌کننده در مراسم پنجاهمین سال تأسیس سازمان تجارت جهانی، می‌توانند عقب‌گردهای کوچک را نادیده بگیرند. ولی شادمانی پنجاهمین سال تولد، نباید این حقیقت را که وظایف گات هنوز ناتمام است به دست فراموشی سپارد. اصلاحات زیادی در بخش تجارت - که بعضاً زمان آن هم گذشته - باید به اجرا درآید. از زمان تأسیس گات تا کنون، هشت دور مذاکرات درباره تجارت جهانی برگزار شده است. در

* Fifty Years On. (May 16TH 1998). *The Economist*. pp. 19, 20, 23.

* معاون آمار و اطلاعات سازمان برنامه و بودجه استان یزد

هر دور گفتگو، کشورهای بیشتری شرکت کردند و آزادسازی گسترش بیشتری یافت. آخرین دور گفتگوها، دور اوروگوئه در سال ۱۹۹۳ بود و توافقنامه‌های بلند پروازانه‌ای به امضا رسید. مذاکره کنندگان، قوانین حاکم بر تجارت در بخش خدمات و حمایت از مالکیت معنوی، مانند حقوق مخترعان و نرم‌افزارهای رایانه‌ای را به تصویب رساندند. این موضوعها، پیش از آن، خارج از حیطه وظایف گات به شمار می‌رفت.

موفقیت دیگر دور اوروگوئه، تأسیس سازمان تجارت جهانی بود. برخلاف ساختار سازمانی شکننده گات، سازمان تجارت جهانی، به عنوان یک تشکیلات دائمی، با قدرتی بسیار فراتر از گات، برای حل دعاوی تجاری ایجاد شد. براساس مقررات گات، هر یک از اعضا، و حتی عضو متخلف، می‌توانست از تصویب قوانین مربوط به حذف موانع ناعادلانه تجاری جلوگیری نماید. برخلاف گات، آرای هیأت حل اختلاف سازمان تجارت جهانی را نمی‌توان وتو کرد و کشور متخلف باید رویه خود را عوض کند یا غرامت بپردازد، در غیر این صورت، تحریم می‌شود.

داوری منصفانه و سریع سازمان تجارت جهانی، کشورها را قانع کرده است که به جای انتقام مسائل مورد اختلاف خود را به سازمان تجارت جهانی ارجاع دهند. فقط طی سه سال، سازمان تجارت جهانی، به ۱۳۲ مورد شکایت، رسیدگی کرد، در حالی که گات طی ۴۷ سال حیات خود، به ۳۰۰ مورد شکایت، گوش فرا داد. سازوکار داوری، برخلاف واهمه برخی کشورها، همیشه به نفع کشورهای بزرگ نبوده است: هنگامی که کاستاریکا، علیه آمریکا، برای ایجاد مانع در واردات زیرپوشهای مردانه تولید آن کشور شکایت کرد، سازمان تجارت جهانی به نفع کاستاریکا رأی داد و آمریکا را وادار به تغییر قوانین وارداتی خود نمود.

موفقیت سازمان تجارت جهانی به حدی زیاد بود که اکنون بیش از ۳۰ کشور، شامل چین و روسیه، خواهان عضویت در آن می‌باشند. هم اکنون، شمار اعضا به ۱۳۲ کشور افزایش یافته است و این سازمان، رشد تجارت جهانی را به طور دایم زیر نظر دارد. سال گذشته، حجم اقلام تجاری ۹/۵ درصد رشد داشت که بیش از سه برابر رشد تولید جهانی بود. امسال، پیش‌بینی می‌شود که بحران اقتصادی آسیا، تجارت جهانی را کاهش دهد، ولی رشد آن، همچنان بیش از رشد تولید خواهد بود.

ترس عده‌ای که می‌گفتند پس از دور اوروگوئه فرایند آزادسازی متوقف یا کند می‌شود، درست

نمود و در سال گذشته، بخشهای بیشتری تحت مقررات سازمان تجارت جهانی قرار گرفت. موافقتنامه‌های بخشی، در زمینه ارتباطات از راه دور، خدمات مالی و فن‌آوری اطلاعات، موانع تجاری را در این بخشها، کاهش داد. این توافقها از سه نظر مهم بود. اقلام تجارتي و رويه‌های حل اختلاف تحت نظارت سازمان تجارت جهانی را به نحو چشمگیری افزایش داد. به احتمال زیاد، حجم تجارت را بیش از مجموع آنچه که دور اوروگوئه پوشش می‌داد، افزایش خواهد داد. و بالاخره، به کارهای نیمه تمام یا در دست اجرا خاتمه داد و زمینه را برای دور تازه‌ای از گفتگوهای جهانی، با هدف حذف موانع تجاری باقیمانده، فراهم ساخت.

و حالا، نگاه به آینده

با این همه دستاوردهای ارزنده در صحنه تجارت جهانی، وزرای بازرگانی احساس غرور خواهند کرد. با این حال، بسیاری از مشکلات، همچنان باقی است. هر چند حمایتگرایی، کاهش یافته، ولی همه جا دیده می‌شود. در بخش منسوجات و کشاورزی، تعرفه‌ها همچنان بالاست و تلاش برای حذف سهمیه‌های واردات، به کندی جریان دارد. کاهش تعرفه‌ها در بخشهایی مانند کشتیرانی و استفاده از کارگر خارجی زیاد نبوده است و پیشرفتی مشاهده نمی‌شود.

مشکل این است که به باور بسیاری از دولتها، بازکردن بازار داخلی به روی خارج، امتیازی است که به ناچار باید داد، و به خودی خود، اقدام مناسبی در جهت منافع کشور به شمار نمی‌آید. حتی آمریکا و اروپا که سردمدار تجارت آزاد محسوب می‌شوند، بخشهایی از اقتصاد خود را با هدف حمایت از کارگران صنایع نوپا، بسته نگه می‌دارند.

موضوع جهانی شدن، نگرانیهایی در کشورهای ثروتمند به وجود آورده، و آنها از این مسئله واهمه دارند که آزادسازی تجاری با کشورهای فقیر، اشتغال و رفاه شهروندان را به خطر اندازد. این نگرانی، در بحثهای سال گذشته در آمریکا، و هنگام مذاکره برای گسترش موافقتنامه منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی (نفتا)، کاملاً مشهود بود. موافقتنامه فعلی نفتا که در سال ۱۹۹۴ شکل گرفت، شامل کشورهای آمریکا، کانادا و مکزیک است. بسیاری از آمریکاییها بر این باورند که نفتا به نفع مکزیک و به ضرر آمریکاست. این تفکر که تجارت آزاد صرفاً بین کشورهای مشابه از نظر سطح دستمزدها، اقتصادی است، از بین نرفته است. در یک نظرسنجی، تنها ۴۳ درصد

آمریکاییها از تجارت آزاد با کشورهای دارای سطح دستمزد پایین که تعرفه‌های خود را کاهش داده بودند، حمایت کردند، در حالی که ۶۶ درصد آمریکاییها موافق تجارت آزاد به معنای عام آن بودند.

مشکلاتی از این دست، تهدید سیاسی به تجارت آزاد را تهدید می‌کند. تا همین اواخر، سیاستمداران آمریکا، برنامه آزادسازی تجارت در سطح جهان را با وجود عدم استقبال افکار عمومی، در دستور کار داشتند. رئیس جمهور کلینتون که نگران تحریک احساسات مخالف آزادسازی تجارت بود، کوششی برای کسب مجوز مجلس در بستن قراردادهای تجاری به عمل نیاورد. هنگامی که تلاشها شکست خورد، اتحادیه‌های کارگری، طرفداران محیط‌زیست و بسیاری از اعضای مجلس به شادمانی پرداختند. همین ائتلاف، گفتگوهای مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی را به بن‌بست کشانید.

کارهای درست اجرا

با توجه به مشکلاتی که بر شمرديم، سازمان تجارت جهانی با چند چالش مهم روبه‌روست. نخست، باید تعرفه اقلام تجاری را باز هم کاهش دهد. هر چند میانگین مجازاتها، از زمان تأسیس گات، همواره کاهش یافته، ولی حتی بازرترین اقتصادها، برخی موانع را همچنان حفظ کرده‌اند. برای نمونه، آمریکا برای واردات لباس تعرفه‌ای به میزان ۱۴/۶ درصد دارد که بیش از پنج برابر متوسط جهانی است.

مقاومت در برابر حذف تعرفه‌ها در بخش کشاورزی، بسیاری قوی است. تعرفه‌ها و دیگر موانع تجاری برای محصولات کشاورزی، به رقم سنگین ۴۰ درصد در سطح جهان، می‌رسد و به گفته کارشناسان، از دلایل اصلی عدم تخصیص بهینه و نابودی مقدار زیادی از ارزشهاست. دور جدیدی از گفتگو، درباره کشاورزی برای سال ۱۹۹۹، پیش‌بینی شده است. دست کم در این دور مذاکرات، می‌توان امیدوار بود که اصلاحات در آمریکای لاتین تشویق شود و از نفوذ سیاستهای کشاورزی اتحادیه اروپا کاسته گردد. با این همه، پیشرفت در این بخش دشوار است. جدال در مورد کشاورزی، دور او روگوئه را تقریباً در آستانه شکست قرار داده بود.

چالش بعدی، گسترش تجارت در بخش خدمات است. آهنگ رشد در این بخش، از آهنگ

رشد کالاهای تجاری، بیشتر است. دور جدید گفتگوها در مورد خدمات، در سال ۲۰۰۰ میلادی، آغاز می‌شود و هدف از آن، تحکیم توافقات سال گذشته در بخش ارتباطات از راه دور، خدمات مالی و فن‌آوری اطلاعات است. هدف دیگر، تکمیل موافقتنامه خدمات حساسی است که اکنون در دست بررسی قرار دارد. کشورهای ثروتمند، خواهان قوانین شفاف به جای دستورالعملهای مبهم موجود در حسابرسیهای دولتی می‌باشند. همچنین برخی کشورها - بجز آمریکا - علاقه‌مند به حل مسائلی هستند که در گفتگوهای قبلی به توافق نرسیده بودند، مانند کشیانی. این دور گفتگوها نیز به دلیل برخورد توافقات بین‌المللی با قراردادهای دو جانبه‌ای که تاریخ امضای آنها معمولاً به چندین دهه قبل بر می‌گردد، دشوار خواهد بود.

علاوه بر اینها، سازمان تجارت جهانی، باید نحوه و میزان دخالت خود را در امور حساسی مانند قوانین ضد انحصار، محدودیت برای سرمایه‌گذاری خارجی، حقوق کار و محیط زیست، روشن سازد. موضوعهای فوق از بُعد نظری پیچیده و از بُعد عملی، به ویژه، بحران آفرین هستند، زیرا بسیاری از دولتها، دخالت در این گونه امور را نقض حق حاکمیت ملی خود می‌دانند، و نظارت سازمانهای فراملی را بر نمی‌تابند. سازمان تجارت جهانی به ناچار باید بین تغییر در سیاستهای داخلی که تأثیر منفی بر تجارت جهانی دارند و حق حاکمیت ملی دولتها، به نوعی تعادل، دست یابد.

تجارت و انحصار به راههای گوناگون در هم تنیده‌اند، برای مثال، مقررات داخلی برخی کشورها، تأسیس کارخانه توسط سرمایه‌گذار خارجی یا توزیع کالاهای شرکت خارجی را از راههای معمول شرکتهای بومی ممنوع می‌سازد، یا در برخی موارد، دولتها نسبت به انحصارات بین‌المللی، مانند شرکتهای نفتی یا آلومینیم، به دیده اغماض می‌نگرند. بنابراین، آیا سازمان تجارت جهانی باید قوانین جدیدی به منظور رفع این گونه اصطکاکها وضع نماید؟ سازمان تجارت جهانی پیشتر مشکل پیچیده رقابت در موافقتنامه‌های ارتباطات از راه دور را حل کرد و در این مورد نیز توانایی دارد. سازمان تجارت جهانی، دست کم می‌تواند قریب به ۶۰ کشور عضو را که فاقد قوانین حاکم بر رقابت هستند، وادار به تهیه این گونه قوانین نماید. به هر حال، اعضای مهم، از اینکه سازمان تجارت جهانی اقدام به وضع قوانین رقابتی در سطح بین‌المللی نماید، اختلاف نظر دارند. اروپا موافق و آمریکا مخالف است.

اختلاف دیگر، مربوط به سرمایه گذاری است. به همین دلیل، رابطه بین سرمایه گذاری و تجارت در دستور کار سازمان تجارت جهانی قرار نگرفت. سازمان تجارت جهانی، در این بخش، کار زیادی انجام نداده و قوانین لازم برای سرمایه گذاری را وضع نکرده است. اعضای ثروتمند کوشیدند موافقتنامه‌های سرمایه گذاری بین کشورهای خود را از کانال سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در پاریس به تصویب رسانند. ولی توافقه‌ای چند جانبه به دلیل اختلاف بر سر شمول صنایع راهبردی، مانند رسانه‌های خبری (آمریکا موافق و فرانسه به شدت با آن مخالف بود)، مخالفت کشورهای در حال توسعه با رد عضویت آنها، و ضدیت گروه‌های طرفدار محیط زیست که توافقه‌ها را یک سویه و به نفع شرکت‌های چند ملیتی می‌دیدند، در نهایت، به بن‌بست رسید. موافقتنامه‌های چند جانبه سرمایه گذاری باید حمایت و مراعات گردند، ولی این کار باید از مجرای سازمان تجارت جهانی و نه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی انجام گیرد.

مشکلترین و حساسترین بخشها، تعیین استانداردهای کار و محیط زیست است. این دو بخش، بر خلاف موضوعهای سرمایه گذاری و سیاستهای رقابتی، مورد علاقه شدید افکار عمومی است. مردم نگران حیات دلفینها، جنگلها و بدرفتاری با کارگراند. سازمان تجارت جهانی نمی‌تواند نگرانی افکار عمومی را نادیده بگیرد، ولی تهیه قوانین کاربردی بین‌المللی که سرانجام به سرپوشی برای محدود ساختن تجارت تبدیل نشوند نیز دشوار خواهد بود.

در نخستین کنفرانس سران سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۶، قدمهای اولیه برای حفظ حقوق کارگران برداشته شد. در این نشست، استانداردهای اصلی کار، از جمله کار کودکان اعلام گردید. رعایت استانداردها که اصولاً مورد حمایت کشورهای ثروتمند بود، برای اعضا اجباری نبود. بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نسبت به انگیزه‌های واقعی استانداردهای کار، به دیده تردید می‌نگرند. به عقیده آنها، هدف اصلی از استانداردها، حمایت از حقوق کارگران نبوده، بلکه مقصود اعلام نشده آن، حذف امتیاز نسبی، پایین بودن هزینه کار در کشورهای در حال توسعه و وسیله‌ای برای اعمال تبعیض علیه صادرات کشورهای فقیر می‌باشد. آنها استدلال می‌کردند که اگر کشورهای در حال توسعه، یکشنبه قوانین کار خود را به سطح کشورهای پیشرفته برسانند، صادرات لطمه می‌خورد و اقتصاد کشور به شدت صدمه می‌بیند. به نظر سازمان تجارت جهانی، جایگاه اصلی این گونه بحثها، سازمان بین‌المللی کار است و سازمان تجارت جهانی می‌تواند تا هنگام

رسیدن به یک اجماع عمومی - البته اگر اجماعی باشد - منتظر بماند.

محیط زیست

از همه بحث‌انگیزتر، رابطه بین تجارت و محیط زیست است. به عقیده سیاست‌گذاران، سود تجارت از تفاوت قیمت‌های نسبی در کشورهای مختلف به دست می‌آید و متغیرهای تعیین‌کننده آن نیز عوامل تولید، بهره‌وری و موارد دیگری از این قبیل است. حال، اگر شرکتی بدون هیچ هزینه‌ای، محیط را آلوده سازد، و شرکت مشابه آن در کشور دیگر، مجبور به پرداخت هزینه‌های محیط زیست باشد، آن‌گاه هزینه‌های نسبی منعکس‌کننده تفاوتها نخواهد بود و تجارت منافی نخواهد داشت.

تاکنون سازمان تجارت جهانی از کنار قضیه به سادگی گذشته، و به اصطلاح، در حاشیه بوده است. گروه کاری سازمان در بخش تجارت و محیط زیست نیز اذعان دارد که کار اساسی در این زمینه‌ها انجام نگرفته است. یک نمونه آن، سردرگمی و واکنش ضعیف سازمان تجارت جهانی در قبال ممنوعیت ورود گوشت‌های هورمونی گاو به اروپا بود که مورد اعتراض آمریکا قرار داشت. سال گذشته، سازمان تجارت جهانی به نفع آمریکا رأی داد، ولی همزمان به بروکسل نیز اجازه داد که تا کسب شواهد بیشتر و بررسی نهایی دانشمندان، ممنوعیت ادامه یابد. نمونه دیگر، رأی اخیر سازمان تجارت جهانی علیه قانونی در آمریکا است که ورود میگو از کشورهایی که از تور مخصوص صیادی به منظور حفظ حیات لاک پشته‌های آبی استفاده نمی‌کنند را ممنوع می‌ساخت. این رأی، براساس تفسیر تنگ نظرانه از قوانین تجاری و بدون توجه به ملاحظات مشروع طرفداران محیط زیست، صادر شد.

همراه با افزایش تعداد اعضا، این گونه مباحث، گسترده‌تر می‌شوند. تا این لحظه، بزرگترین جامانده، چین است. چین دارای دومین اقتصاد بزرگ جهان و دهمین صادرکننده جهانی است. سازمان تجارت جهانی بدون عضویت چین، نمی‌تواند یک سازمان جهانی به معنای واقعی کلمه باشد. سازمان تجارت جهانی خواهان عضویت چین در کنفرانس آینده شده است. ولی عضویت این کشور تا پیش از سال ۱۹۹۹، بعید است. مقامات چین در مقابل امتیازاتی که خواهند داد، تقاضای عضویت فوری در سازمان تجارت جهانی دارند. چین‌ها در صورت عضویت در سازمان

تجارت جهانی، حاضر به حذف یارانه‌های صادراتی، سهمیه‌های واردات و بستن ۵۴ کارخانه غیرمجاز تکثیر دیسک‌های رایانه‌ای هستند. در مقابل، کشورهای ثروتمند به چین پیشنهاد کرده‌اند که پیش از عضویت، تعرفه‌های مرزی را کاهش دهد، تجارت در بخش خدمات را آزاد سازد و برای لغو مقررات غیرتعرفه‌ای، مانند صدور مجوز، اقدام نماید.

در کنار چالش‌ها، دو تهدید بالقوه نیز وجود دارد. نخست، افزایش تعداد و گسترش موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای است: در سال ۱۹۹۰، تعداد این گونه قراردادها کمتر از ۲۵ بود؛ اکنون تعداد آنها، شامل اتحادیه اروپا، نفتا در شمال آمریکا، آسه‌آن در آسیا و مرکوسر در آمریکای لاتین، به ۹۰ توافق افزایش یافته است. تنها در ماه گذشته، ۳۴ دولت شمال و جنوب قاره آمریکا، طرحی برای آزادسازی تجاری بین کشورهای خود تا سال ۲۰۰۵ پیشنهاد کردند. اتحادیه اروپا که نمی‌خواهد از قافله عقب بماند، خواهان مشارکت دو جانبه اقتصادی با آمریکا شده است (فرانسه به شدت با این طرح مخالف است).

اختلاف نظر عمیقی در مورد مزایا و معایب مناطق آزاد تجاری در چارچوب تجارت جهانی مشاهده می‌شود. به هر حال، بسیاری از مناطق آزاد تجاری، نوپا هستند و نمی‌توان عملکرد آنان را با اطمینان تحلیل نمود. ظاهراً، تمام گروه‌بندی‌های مناطق آزاد تجاری، خواهان آزادسازی بیشتر و محدودیت کمتر تجارت در سطح جهانی هستند که در این صورت، وجود آنها به نفع تجارت جهانی خواهد بود. به علاوه، هیچ یک از مناطق آزاد تجاری، قوانینی که با مقررات سازمان تجارت جهانی منافات داشته باشد، وضع نکرده‌اند.

با این همه، مخاطرات آشکاری نیز وجود دارد. نخست آنکه توافقی‌های منطقه‌ای فرایند طبیعی تجارت را منحرف می‌سازد. برای مثال، کشورهای عضو یک بلوک ترجیح می‌دهند به جای خرید از ارزاترین عرضه‌کننده جهانی، از کشورهای عضو منطقه آزاد تجاری خود، کالا وارد کنند. خطر دوم، احتمال ایجاد موانع تجاری در بلوکهای اقتصادی علیه یکدیگر است که در نهایت، حمایتگرایی در سطح منطقه را تقویت خواهد کرد. به تازگی کشورهای عضو منطقه آزاد تجاری مرکوسر، تعرفه‌های مشترک وارداتی خود را با هدف مقابله با ورود کالاهای ساخت آسیا افزایش دادند. علاوه بر این، مقررات ویژه مناطق آزاد تجاری، بر ابهام و پیچیدگی قوانین تجارت جهانی می‌افزاید.

تهدید بالقوه دوم، خلأ اراده سیاسی است. لئون بریتان - عضو کمیسیون تجاری اتحادیه اروپا - از مقررات تجارت آزاد حمایت می‌کند، ولی حوزه‌های انتخابیه وی، قوانین را مراعات نمی‌کنند. برای مثال، در حالی که موانع تجاری اتحادیه اروپا علیه اعضای احتمالی آینده‌اش در اروپای شرقی کاهش یافته است، ولی این موانع، هنوز بسیار زیاد است. برخی اعضای اتحادیه اروپا، و به طور مشخص، ایتالیا و فرانسه، در بخشهای کشاورزی و خودروسازی، سیاستهای حمایتی اعمال می‌کنند.

سیاستهای حمایتی در آمریکا کمتر از اروپاست، ولی آمریکاییها نیز به تدریج به عرصه حمایتگرایی، وارد می‌شوند. تا همین اواخر، آمریکا طرفدار قراردادهای چند جانبه تجاری بود، ولی از زمان ریاست جمهوری کلینتون، طرحهای منطقه‌ای، مانند نفتا و منطقه آزاد تجاری، اولویت بیشتری یافته‌اند. تهدیدهای پیشگفته و عدم واکنش سریع به بحرانها به این نگرانی دامن می‌زند که دولتها، تحت فشار جناحهای راست، سبزه‌ها (طرفداران محیط‌زیست) و اتحادیه‌های کارگری، به سیاستهای حمایتی در عرصه تجارت روی آورند. پیش‌بینی می‌شود که تراز منفی بازرگانی آمریکا، به دلیل کاهش بیشتر ارزش پولهای آسیایی، افزایش یابد. با افزایش تراز منفی، فشار حمایتگران نیز افزایش می‌یابد. در صورتی که آمریکاییها، آزادسازی تجاری را متوقف سازند، یا موانع وارداتی را افزایش دهند، به احتمال قوی، کشورهای دیگر نیز پیروی خواهند کرد.

تداوم تلاشها

چگونه می‌توان از تهدیدها پیشگیری کرد؟ به یقین، بهترین راه، دور جدیدی از گفتگوهای بین‌المللی است. دور جدید مذاکرات، باید بین منطقه‌گرایی و تبعیض تجاری تعادل برقرار سازد و از امکان تبدیل منطقه‌گرایی به عامل جدیدی از تخاصم در نظام بین‌المللی بکاهد. همزمان، مسائل بین‌بخشی، مانند موضوع حساس کشاورزی نیز در دستور کار مذاکرات قرار گیرد. مطمئناً، دور اووروگوئه نیز بدون بررسی همزمان روابط بین بخشی - کشاورزی، منسوجات و خدمات - به موفقیت کمتری دست می‌یافت.

لئون بریتان، دور جدید مذاکرات را قبلاً پیشنهاد داده بود. دولتها، پیش از شروع مذاکرات باید

نظر خود را در مورد موضوعهای جدید، حقوق کار، محیط زیست و سیاستهای رقابتی، جمعبندی نمایند. گفتگوهایی که به این مسائل نپردازد، به طور قطع، با مخالفت سیاسی در هر دو سوی اقیانوس اطلس مواجه خواهد شد. به هر حال، رسیدن به اجماع برای ۱۰۰ کشور، کار آسانی نیست، ولی رسیدن به اجماع در دور اوروگوئه هم آسان نبود. گفتگوها هشت سال طول کشید، پیشنویسها بارها عوض شد تا سرانجام، دور اوروگوئه به یک جمعبندی موفق دست یافت. یک جهش تجاری دیگر، اقتصاد جهانی را در آستانه هزاره جدید، به پیش خواهد راند و حیف است فرصت از دست برود.

گفتگو تا گفتگو

تاریخچه گات و سازمان تجارت جهانی

۱۹۴۷: تأسیس گات توسط ۲۳ کشور در ژنو.

۱۹۴۸: گات وارد عمل می شود. نخستین نشست اعضا در هاوانا.

۱۹۴۹: دومین دور گفتگوها در فرانسه. حذف قریب به ۵۰۰۰ تعرفه توافق شد؛ ۱۰ عضو جدید پذیرفته شدند.

۱۹۵۰-۱۹۵۱: سومین دور گفتگوها در انگستان. ۸۷۰۰ امتیاز تجاری رد و بدل شد، و ۴ عضو جدید پذیرفته شدند.

۱۹۵۶: چهارمین دور گفتگوها در ژنو. تعرفههایی به میزان ۱/۳ میلیارد دلار به قیمت روز لغو شد. ۱۹۶۰-۱۹۶۲: گفتگوهای دیلون. دیلون وزیر خارجه آمریکا بود و مذاکرات را پیشنهاد داده بود. ۴۴۰۰ تعرفه لغو شد.

۱۹۶۴-۱۹۶۷: دور کندی. تعداد زیادی تعرفه صنعتی لغو شد و ۵۰ کشور آن را امضا کردند. قیمت شکنی (دامینگ) جداگانه بررسی شد.

۱۹۷۳-۱۹۷۹: دور توکیو با شرکت ۹۹ کشور. نخستین مذاکرات جدی برای لغو موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، از قبیل یارانه و مجوز متوسط تعرفه‌های کالاهای ساخته شده در ۹ بازار بزرگ، بین ۷ تا ۴/۷ درصد، کاهش یافت.

۱۹۸۶-۱۹۹۳: دور اوروگوئه. حذف بیشتر تعرفه‌های صنعتی، یارانه‌های صادراتی، مجوز و عوارض ورودی. نخستین موافقتنامه‌ها در بخش خدمات و مالکیت معنوی.

۱۹۹۵: تأسیس سازمان تجارت جهانی با اختیارات لازم برای حل دعاوی بین کشورهای عضو.

۱۹۹۷: توافق در مورد ارتباطات از راه دور، فن آوری اطلاعات و خدمات مالی.

۱۹۹۸: امروزه، سازمان تجارت جهانی دارای ۱۳۲ عضو است. ۳۰ کشور دیگر نیز در فهرست انتظار قرار دارند.